

Research Article

The Components of a Righteous Society in the Thought of Imam Musa Sadr

Vahid Pashaei¹

Samira Alamdar Ali Akbari²

Received: 23/10/2021

Accepted: 01/10/2022

Abstract

The theoretical explanation of righteous society and city has always been one of the concerns of thinkers and trying to establish it has been the most important goal of social reformers. In this paper, which has been conducted based on the descriptive-analytical method; an attempt has been made to outline the various components of the righteous society based on the writings and works of Imam Musa Sadr as one of the religious-oriented social reformers. The theological, anthropological, sociological and ethical components form the most important foundations of his social thinking, the output of which is a society based on the idea of monotheism, in which all members of that society enjoy dignity, freedom, equality and justice while being equal before the law due to equality in creation and guides people towards the sublime and divine common goal. The society as a single body in the shadow of the right governance and the existence of a suitable educational environment will lead to all-round economic and social dynamics, which will eliminate stagnation and injustice.

Keywords

Righteous society, righteous city, Imam Musa Sadr, social components.

1. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Humanities, Bu-ali sina university, Hamedan, Iran (corresponding author). v.pashaei@basu.ac.ir.

2. M.A in Shia studies, Islamic theology, Qom University, Qom, Iran. zeitoon.133@gmail.com.

* Pashaei, V., & Smira alamdar Ali Akbari, S. (1401 AP). The components of a righteous society in the thought of Imam Musa Sadr. *Journal of Islam and Social Studies*, 10(38), pp. 34-61.

DOI: 10.22081/JISS.2022.62181.1863.

مقاله پژوهشی

مؤلفه‌های جامعه صالح در اندیشه امام موسی صدر

وحید پاشایی^۱ سمیرا علمدار علی‌اکبری^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۹

چکیده

تبیین تئوریک جامعه صالح و مدینه فاضله همواره یکی از دغدغه‌های اندیشمندان بوده و تلاش برای برپایی آن مهم‌ترین هدف مصلحان اجتماعی را تشکیل داده است. در این مقاله که براساس روش توصیفی - تحلیلی سامان یافته، کوشش شده است براساس نوشته‌ها و آثار برجای مانده از امام موسی صدر به‌عنوان یکی از مصلحان اجتماعی دین‌مدار، مؤلفه‌های مختلف جامعه صالح ترسیم شود. مؤلفه‌های الهیاتی، انسان‌شناختی، جامعه‌شناختی و اخلاقی مهم‌ترین پایه‌های تفکر اجتماعی او را تشکیل می‌دهند که برونداد آن جامعه‌ای مبتنی بر اندیشه توحیدی است که همه آحاد آن جامعه ضمن برابری در مقابل قانون به دلیل برابری در آفرینش از کرامت، آزادی، مساوات و عدالت برخوردارند که افراد را به سوی هدف مشترک متعالی و الهی رهنمون می‌سازد. جامعه به‌مثابه یک پیکر واحد در سایه حق‌مداری و وجود فضای تربیتی مناسب به پویایی همه‌جانبه اقتصادی و اجتماعی منجر خواهد شد که از بین‌برنده رکود و بی‌عدالتی خواهد بود.

کلیدواژه‌ها

جامعه صالح، مدینه فاضله، امام موسی صدر، مؤلفه‌های اجتماعی.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشکده علوم انسانی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران (نویسنده مسئول). v.pashaei@basu.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد شیعه‌شناسی، گرایش کلام اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران. zeitoon.133@gmail.com

* پاشایی، وحید؛ علمدار علی‌اکبری، سمیرا. (۱۴۰۱). مؤلفه‌های جامعه صالح در اندیشه امام موسی صدر. فصلنامه

علمی پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی، ۱۰(۳۸)، صص ۳۴-۶۱. DOI: 10.22081/JISS.2022.62181.1863

مقدمه

در طول تاریخ، آرمان‌خواهی بزرگ‌ترین عامل حرکت و تکامل آدمی بوده و آرزوی به‌زیستن و داشتن زندگی آرام با زندگی بشر عجین بوده و در طول تاریخ از آن جدا نشده است. تصور ایجاد جامعه آرمانی و جامعه صالح همیشه بسیاری از دانشمندان جهان را مجذوب خود ساخته و هریک از دریچه‌ای خاص آرمان‌شهر خویش را طراحی کرده‌اند و آن را در قالب اتوپیا^۱ یا مدینه فاضله مطرح کرده‌اند که در آن از نابسامانی‌ها و دغدغه‌های جوامع موجود اثر و نشانی نباشد. این زاویه نگاه بیشتر تحت تأثیر اشکال خاص نابسامانی در جامعه آنان و دیدگاه ویژه آنان به مرکز ثقل مشکلات است.

آرمان‌شهر در اصطلاح یعنی شهری با ساختاری سیاسی، اجتماعی، آموزشی و... که بتواند بیشترین شهروندان خود را به بیشترین سعادت ممکن برساند (مور، ۱۳۶۱، ص ۹). وقتی سخن از آرمان‌شهر و جامعه مطلوب به میان می‌آید، دو امر دیگر نیز به‌ناچار در ذهن تداعی می‌شود: یکی نامطلوب بودن وضع موجود و دیگری امکان حصول وضع مطلوب. در حقیقت آرمان‌شهرها بازتاب شرایط عینی جامعه‌اند. نویسنده یا طراح آرمان‌شهر که از اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه خویش یا از اوضاع حاکم بر جهان ناخرسند است و شرایط عینی را با تصورات ذهنی و آرمان‌های خویش ناساز می‌یابد، می‌کوشد تا با ارائه طرحی آرمانی، وضع موجود و ارزش‌های آن را انکار کند. با این حال آرمان‌شهر تنها وسیله‌گذار از عینیت به ذهنیت و پناه‌بردن به تخیل صرف نیست، بلکه بازآفرینی ذهنی جامعه به قصد انتقاد از نظام مستقر و محکی برای سنجش وضع موجود و آشکارساختن نارسایی‌ها و ناروایی‌هایش است (اصیل، ۱۳۸۱، صص ۶؛ آشوری، ۱۳۸۷، ص ۱۹)؛ از همین رو در نگاه آرمانی باید مراقب سقوط در ورطه ایدئالیسم و ذهن‌گرایی بود. آرمان‌شهر دینی یک ایده واقع‌گرایانه است و هرگونه ذهن‌گرایی و ایدئال‌سازی افراطی آسیبی است که مانع تحقق آن می‌شود. آنچه باعث می‌شود آدمی ایده آرمان‌شهر را دنبال کند، وجود چیزهایی است که نامطلوب است و فقدان

1. Utopia.

چیزهایی که مطلوب است. واقعیت این است که یکی از عوامل اساسی پیدایش چنین اندیشه‌ای در منظومه فکری فیلسوفان تأثیرپذیری آنان از آموزه‌های ادیان و تعالیم و حیانی است.

آرمان‌شهر اسلامی مرکز و محور شیوه‌ای معنوی از حیات است که عوامل طبیعی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و سیاسی آمیخته با معنویت آن را هویت می‌بخشد و ساختارش را عینیت می‌دهد. بایسته‌های چنین جامعه‌ای از درون آموزه‌های اسلامی سر برمی‌آورد و با خصلت‌های تعاون و معاضدت و یاری‌گری یکدیگر در هم می‌آمیزد. فارابی - که شاید بتوان وی را نخستین اندیشمند مسلمانی نامید که به بحث سیاست و جامعه پرداخته است - جامعه را نظامی می‌داند تام و تمام که اجزای آن با یکدیگر روابطی پایدار دارند و این نظام اجتماعی از وحدت و تجانس نیز بهره‌مند است. فارابی پیدایی جامعه را نتیجه نیاز طبیعی انسان می‌داند و معتقد است انسان برای رسیدن به مرتبه کمال نیازمند یاری‌گری و تعاون است؛ زیرا انسان‌ها بدون یاری دیگران نمی‌توانند نیازهای خود را ارضا کنند؛ از این رو آدمی به کمال فطری نخواهد رسید، مگر به مدد اجتماعاتی که در امور یاری‌گر و مددکار هم باشند و در رفع نیازهای هم بکوشند تا هم جامعه برپا باشد و هم به کمال برسند (فارابی، ۱۳۶۸ق، صص ۷۷-۷۸؛ ستوده، ۱۳۸۵، ص ۳۵). بر همین اساس یکی از مسائل مهمی که اسلام در این راستا برای آن اهمیت قائل شده و در معارف قرآنی نیز مورد توجه قرار گرفته است، ایجاد جامعه انسانی مؤمن و صالح است که از ارکان و مؤلفه‌های اساسی برخوردار است. بر این اساس است که دانشمندان و حکمای اسلامی التفات ویژه‌ای بدین مسئله نشان داده و پژوهش‌های قرآنی دینی و فلسفی بسیاری در این زمینه به انجام رسانده‌اند.

اسلام دینی است اجتماعی که احکام عبادی و فردی آن آهنگی اجتماعی دارد و از آنها در جهت اصلاح و تقویت روابط اجتماعی و اجرای اهداف مقدس جامعه بهره می‌گیرد و بدین وسیله میان عبادات فردی و اجتماعی پیوند برقرار کرده است. از آنجا که جامعه دارای واقعیت و همچنین دارای آثار عظیم و منشأ بسیاری از امور است، اسلام و قرآن به جامعه و جمع و حضور در آن اهمیت بسزایی داده است. پس هدف اسلام تنها

ساختن فرد دیندار نیست، بلکه ساختن جامعه دیندار نیز هست؛ جامعه‌ای که روابط اجتماعی آن دین‌مدارانه سامان بگیرد؛ جامعه‌ای ارزشمند که در آن سعادت فرد با سعادت جامعه پیوند خورده است. پیوند سعادت فرد به سعادت جامعه، بیانگر این مطلب است که به کمال رسیدن انسان بدون دیگران میسر نیست؛ چراکه انسان فطرتاً اجتماعی و نیازمند به زندگی با دیگران است.

درباره جامعه دینی و الگوی مطلوب حیات اجتماعی و روابط اجتماعی دینداران، نظریه‌های مختلفی مطرح است. برخی معتقدند جامعه ایدئال و آرمانی دینی جامعه‌ای است که سلول‌های تشکیل دهنده آن همانا افراد آن جامعه هستند، دینداران کاملی باشند. عده‌ای معتقدند ملاک دینی بودن یک جامعه آرمانی این است که دین در آن جامعه و در جمیع شئون حیات اجتماعی انسان‌های آن جامعه داور، معیار و سنج باشد و همه چیز با ترازوی دین سنجیده می‌شود. برخی نیز معتقدند جامعه آرمانی دینی آن جامعه‌ای است که دین هدایت شبکه روابط و کنش‌های اجتماعی را عهده‌دار باشد (علوی‌تبار، ۱۳۷۷، ص ۱۶۷).

عده‌ای در نقد نگاه گفته‌شده به جامعه آرمانی مطلوب دین گفته‌اند در نگاه بالا دین در عرصه زندگی اجتماعی نقش بسیار فعالی در هدایت کنش‌های اجتماعی و جهت‌دهی شبکه روابط اجتماعی ندارد، بلکه فقط داور بی‌اقتداری است که اگر افراد کردارهای خود را بر او عرضه کنند، او هم خطا یا صواب‌بودنشان را اعلام می‌کند و اگر چنین نکنند، در جایگاه خود ثابت و غیرپویا و غیرمؤثر نشسته است. در این نگاه دخالت دین در حد توصیه و اندرز است و حضور چنین چهره‌ای از دین نمی‌تواند جامعه را به یک جامعه آرمانی پویا و متحرک تبدیل کند، بلکه حداکثر یک جامعه دیندار می‌سازد؛ یعنی افراد جامعه را به افراد دینداری تبدیل می‌کند و این برای تحقق جامعه آرمانی کافی نیست. رسالت اصلی و پیام اصلی هدایت انسان است. معلوم است که مفهوم هدایت غیر از مفهوم داوری و هادی غیر از داور است. در مفهوم هدایت نوعی دخالت نهفته است؛ درحالی که داوری فقط ارزیابی انفعالی از عمل انجام‌شده است. هادی جهت کردارها را مشخص می‌کند و برای این کار به امر و نهی می‌پردازد؛

در حالی که داور فقط خوب یا بد و صحت و سقم کردارهای انجام شده را بیان می کند (تقوی، ۱۳۷۵).

در ادامه با هدف تبیین آرای اجتماعی و به تعبیری آرمان‌شهری ایشان با روش توصیفی - تبیینی ضمن ارائه چارچوبی کلی برای شناسایی نقاط کلیدی در تفکرات این اندیشمند جامعه‌گرا و آرمان‌گرا و ارتباط بین آن نقاط سیستم معرفتی و مدل تفکر آرمان‌شهرگرایی ایشان بررسی شده است.

۱. چیستی جامعه

از نگاه جامعه‌شناسان، برای جامعه با تکیه بر محور و عنصری انحصاری، تعریف‌های مختلفی ارائه شده است. عده‌ای با تکیه بر عنصر نیازمندی، جامعه را گروهی در پی تأمین نیازهای مادی و معنوی دانسته‌اند که روابط و مناسباتی برقرار می‌کنند. برخی علاوه بر نیازمندی مجموعه، به «عقاید و آرمان‌ها» توجه کرده‌اند که به اجبار به یک زندگی مشترک تن داده‌اند. بعضی نیز محور اصلی را روابط انسانی قرار داده‌اند. اشتراک و معاضدت عنصری است که تعدادی در تعریف جامعه گنجانده‌اند و در کنار آنها عده‌ای وسعت و دوام هم‌بدان افزوده‌اند. خودبسندگی، فرهنگ، سازمان یا استقلال سیاسی از دیگر عناصر سازنده جامعه معرفی شده است (ر.ک: صلیبا، ۱۳۷۰، ص ۱۵۲).

اما در نگاه امام موسی صدر در تعریف جامعه بر «مبادله و تعامل» تأکید شده و اجتماع انسانی بدون ارتباط و تعامل و داد و ستد و خرید و فروش بی‌معنا تلقی شده است؛ از این رو جامعه به وجود افرادی وابسته است که با تبادل توانایی‌های خود در کارها تعامل دارند (صدر، ۱۳۹۲ الف، ص ۲۱۱).

۲. مؤلفه‌های الهیاتی جامعه صالح

مهم‌ترین ویژگی جامعه آرمانی با نگاه الهی، عقیده‌مندی به وجود نیروی لایزالی است که با علم و حکمت خویش جهان را آفریده و براساس قسط به صورت هدفمند اداره می‌کند. او در متن زندگی انسان‌ها حضور دارد و مفهومی حاشیه‌ای و انتزاعی نیست.

امام موسی صدر تمدن را بازتاب حالات درونی و ذهنی انسان در ایجاد مدنیت می‌داند که همه اصول و فروعش بر دین توحیدی استوار است. در واقع امام موسی معتقد است دو ویژگی اصلی آفرینندگی و ربوبیت الهی در تشکیل جامعه صالح و تمدنی ماندگار بسیار حائز اهمیت است. اعتقاد به آفریننده‌ای که مخلوقات خویش را نکرده و امور آنها را پیاپی مورد تربیت و نظارت قرار می‌دهد، اگر به شکلی کامل، اصولی و بدون نقص باشد، می‌تواند سنگ بنای تمدنی نیز قرار گیرد (صدر، ۱۳۹۱ الف، صص ۵۲-۵۳).

۱-۲. برابری آحاد جامعه

خلقت عادلانه و یکسان خدا مانع نابرابری آحاد جامعه است و تمایزهای مشهود انسانی براساس کوشش ناشی از اراده و اختیار انسان‌ها است (صدر، ۱۳۹۱ الف، ص ۵۲)؛ بدین جهت توحید مروج عدالت و دادگری در برابری انسان‌ها و نادرستی تبعیض‌های مختلف نژادی و امثالهم است.

۲-۲. وحدت در راه و اهداف افراد جامعه

به اعتقاد امام موسی صدر نگرش توحیدی مشعر به این مطلب است که همه عناصر خلقت از یک مبدأ ناشی شده‌اند و تحت ربوبیت خداوند به سوی هدف و مقصدی مشخص و واحد حرکت می‌کنند. همین یک هدف سبب اتحاد و پیشرفت می‌شود، نظیر جوامع مادی گرای امروزی (صدر، ۱۳۹۲ ب، ص ۱۱۰).

۳. مؤلفه‌های انسان‌شناختی

هر طرح تازه‌ای در نظام‌های حقوقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... در گرو شناخت محور اصلی این نظامات یعنی انسان است؛ از همین رو نگاه امام موسی صدر درباره انسان، سازنده سیستم معرفتی جامعه صالح او است. انسان‌شناسی امام موسی صدر برگرفته از سنت دینی است که می‌توان در معرفت نفس یا خودشناسی آن را جست.

انسان از نگاه وی موجودی کمال‌پذیر است که با تجسس در فطرت خود، عوامل رسیدن به هدفی والا و متعالی را برایش ترسیم‌شده، می‌یابد.

۱-۳. برخوردار از کرامت

وی درک کرامت از سوی انسان را ریل‌گذاری به سمت جامعه آرمانی و زدودن رذائل دانسته است که انسان در این صورت به تمام شئون خویش اهتمام دارد و در راستای اقناع‌سازی وجدان خود قدم برمی‌دارد (صدر، ۱۳۹۱ ب، ص ۷۰). اصول فطرت، آزادی و کمال انسانی سازنده کرامت انسان هستند.

امام موسی دین را همان فطرت و سرشت آدمی می‌داند که تحت تأثیر عواملی، خود توانایی بیان آن را ندارد و حالتی انفعالی گرفته است؛ بنابراین نیازمند مقامی خارج از فطرت است که کامل و تأثیرناپذیر باشد (صدر، ۱۳۹۱ ب، ص ۱۳). آزادی نیز در نگاه موسی صدر یعنی به رسمیت‌شناختن کرامت انسان و خوش‌گمانی به او. یعنی اعطای فعال‌سازی همه توانایی‌ها و ظرفیت‌های انسانی (صدر، ۱۳۹۲ الف، صص ۲۸-۲۹). وی همچنین رسیدن انسان به کمال را در گرو عمل‌گرایی می‌داند و ایمان بدون کوشش و عمل را فاقد وجاهت برمی‌شمرد (صدر، ۱۳۹۲ الف، ص ۱۹۲).

۲-۳. معتقد به غیب

امام موسی صدر غیب‌باوری را لازمه زیست این جهانی می‌داند؛ چراکه اتکای صرف بر ساخته‌های بشر، به‌تنهایی نیرومندی کافی را به انسان نمی‌دهد و آرامش مطلق را به ارمغان نمی‌آورد؛ از این رو تمسک به مطلق همیشگی ثابت و جاودان سبب آرامش و جهش در زیست دنیایی نیز می‌شود (صدر، ۱۳۹۲ الف، ص ۳۷؛ صدر، ۱۳۹۰، ص ۴۹).

۳-۳. خلیفه‌گری انسان برای خدا

از دیدگاه امام موسی انسان عطیه‌ای الهی است که حقیقتی برآمده از حقیقت خداوندی دارد و به دلیل بلوغش در آفرینش، هدف از خلق او جانشینی خداوند بر روی

زمین است. از نگاه او انسان امانتدار خدا و تجلی همه اسما و صفات الهی است و مفهوم خلیفه به خوبی قدرت دخل و تصرف انسان مستقل و آزاد را روی زمین آشکار می‌سازد.

امانتداری الهی از نگاه موسی صدر، اشاره به شناخت یا ولایت یا شرافت مسئولیت بر پایه دین دارد که این مقام در سایه‌سار تقرب به خداوند و التزام عملی به عبادات پدید خواهد آمد؛ از این رو جامعه صالح جامعه‌ای است که ارزش‌های مادی به ارزش‌های والا‌تری بر پایه دین تبدیل می‌گردد و تفکر اومانستی در آن معنا ندارد (صدر، ۱۳۹۱ ب، صص ۷۶-۷۷؛ صفائی حائری، ۱۳۸۷، ص ۸۶).

بدین جهت انسان در نظام معرفتی امام موسی صدر تک‌ساحتی نیست و برنامه سعادت او با تکیه بر همه ساحات معنوی و دنیوی و باطنی و ظاهری تنظیم می‌شود. او جامعه پیشنهادی انسان را مبتنی بر واقعیت‌های شناختی و همه‌جانبه انسان معرفی می‌کند که زمینه‌ساز بالندگی و شکوفایی همه استعدادهای انسان است (صدر، ۱۳۹۱ ب، ص ۹۳)؛ بر این اساس و با توجه به دو ویژگی «امانتداری» و «خلیفه‌گری انسان برای خداوند» در اندیشه امام موسی، جامعه ترسیمی او، جامعه‌ای است که انسان در همه ارتباط‌های خود با غیر، رابطه‌ای مالک و مملوکی ندارد و نظر داشت جوانب غیرمادی، انسان را به امینی در ارتباط با طبیعت، انسان‌های دیگر و خود تبدیل می‌کند (صدر، ۱۳۹۰، ص ۸۷).

۴-۳. عدم رکود و سکون افراد جامعه

امام موسی صدر برخلاف مارکسیسم که درون و به تعبیر زیربنای انسان را بازتاب شرایط بیرونی و اجتماعی می‌پندارد، معتقد است این زیربنا و محتوای درونی انسان است که شرایط بیرونی و اجتماعی و مناسبات انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ از این رو نگرش توحیدی در صعود یا سقوط جوامع تأثیری مستقیم دارد (صدر، ۱۳۹۱ الف، صص ۶۱-۶۲).

۴. مؤلفه‌های جامعه‌شناختی

بی‌شک کمال خلیفه‌گری انسان برای خداوند از رهگذر تشکیل جوامع و اجتماعات

انسانی و تعاون و همکاری آنها با هم پدیدار می‌شود. انسان برای رسیدن به نیازهای مختلف خود و نائل شدن به کمال، نیازمند همزیستی و همراهی هم‌نوعان است. امام موسی صدر نیز در اهمیت این مسئله ضمن اشاره به آیه ۲۰۰ سوره آل عمران، مقصود دین در وهله نخست را ساختن جامعه‌ای متکامل و صاحب روحیه همیاری می‌داند؛ جامعه‌ای که تنها به خدا می‌اندیشد و براساس فطرت خویش تنها در برابر او کرنش می‌کند (صدر، ۱۳۹۱ الف، ص ۲۴۶).

۱-۴. مبانی اصلی اندیشه اجتماعی امام موسی صدر

۱-۱-۴. جامعه به مثابه پیکری واحد و موجودی زنده

اندیشه همانندی جامعه و ارگانیکسم قدمتی دیرینه تا یونان باستان دارد. فارابی بر این دیدگاه بود و اعضای جامعه را همانند اعضای بدن ایفاگر نقشی خاص می‌دانست (فارابی، ۱۳۶۸ق، صص ۷۷-۷۸؛ ستوده، ۱۳۸۶، صص ۳۵-۳۶).

امام موسی صدر قائل بود از نظر اسلام جامعه مانند پیکری واحد، بزرگ و یکپارچه است که در آن درگیری و طبقات و گروه‌بندی معنا ندارد. جامعه از افراد با استعدادهای گوناگون تشکیل شده است که تعاون و داد و ستد آنها باعث اوج‌گیری جامعه می‌شود؛ بنابراین توجه به ابعاد مختلف وجود آدمی لازم و ضروری است (صدر، ۱۳۹۲ الف، ص ۱۸۳)؛ به دیگر سخن، جامعه در نگاه موسی صدر مفهومی تشکیکی است که هر کس در برابر خدماتی که از خود ارائه می‌دهد، نیازمندی‌های خود را از خدمات دیگران تأمین می‌کند که همین استخدام متقابل شکل مادی زندگی جمعی است و روح جمعی نیز از آن نشئت می‌گیرد و بر آن بنا می‌شود؛ از این رو جامعه در این فرایند به بالندگی می‌رسد و قوه‌های انسانی فعلیت می‌یابند - گذر از ماده به صورت (ناظرزاده کرمانی، ۱۳۷۶، ص ۱۴۰). در این وضعیت جامعه‌ای منسجم شکل می‌گیرد که فرد فرد آن به مانند پیکری واحد درمی‌آیند. موسی صدر با یکپارچه خواندن جامعه معتقد است جامعه هم مانند خود انسان در عین تکثر، وحدت دارد و افراد گوناگون و دسته‌های متنوع همگی در یک مسابقه برای کسب رضایت خدا به یکدیگر کمک می‌کنند (صدر، ۱۳۹۱ ب، ص ۱۰۸).

۴-۱-۲. رابطه فرد و جامعه در اندیشه صدر

به اذعان بسیاری از جامعه‌شناسان، یکی از اساسی‌ترین مباحث در شناخت جامعه، تبیین رابطه فرد با جامعه است که معمولاً تحت عنوان اصالت فرد و جامعه مطرح می‌شود (گویج و دیگران، ۱۳۴۷، ص ۷۰). به دلیل هجوم افکار از سوی غرب، این دست مباحث در قلمرو فرهنگ دینی هم قدم نهاده و حاکی از عکس‌العمل اندیشمندان مسلمان است. اگر با این نگاه که هیچ علمی متکفل اثبات وجود موضوع خود نیست، به مقوله جامعه پردازیم، طبیعتاً علم جامعه‌شناسی در صلاحیت بررسی مفهوم اصالت جامعه یا فرد قرار ندارد. چه بسا این بحث، بحثی فلسفی است که در آن به مفهوم دقت می‌شود (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۶۸، ص ۲۹). در نگرش فلسفی از حقیقی و عینی بودن یا اعتباری و طفیلی بودن فرد و جامعه سخن رانده می‌شود (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۶۸، ص ۴۶)؛ اما اگر اصالت را به معنای غلبه تأثیر و نفوذ بگیریم، اصالت مفهومی اجتماعی می‌شود که رنگ هستی‌شناسانه ندارد و از قلمرو فلسفه خارج شده است.

با این توضیح می‌توان رابطه فرد و جامعه را هم از بعد فلسفی و هم از زاویه جامعه‌شناختی بررسی کرد. از نگاه فلسفی هرچند اشاره‌ای مستقیم در آثار امام موسی صدر وجود ندارد، با تحلیل سخنان و نوشته‌های ایشان درباره جامعه، می‌توان گفت وی منشأ تکون جامعه را افراد آن می‌داند. این عواطف، تفکرات، احساسات و عملکردهای مشترک افراد است که به نحوی با هم ترکیب شده‌اند و یک روح جمعی را ساخته‌اند، به گونه‌ای که افراد تأثیر می‌پذیرند و در عین حال تأثیر می‌گذارند.

امام موسی صدر می‌گوید «جامعه در این تفسیر از واقعیت انسان سرچشمه گرفته است؛ انسانی که اساس اجتماع و غایت آن است؛ به همین علت جامعه اسلامی رنگ انسانی دارد نه رنگ فردی یا اصالت فرد، به طوری که همه سازمان‌ها برای فرد تنظیم شده باشد و نه رنگ اجتماعی یا اصالت جامعه، به طوری که به کلی فرد در آن فراموش شده است...» (صدر، ۱۳۹۱، ص ۱۰۸).

به نظر می‌رسد با اتصاف جامعه به مؤمن و غیر مؤمن اصالت جامعه در نگاه جامعه‌شناختی‌اش رنگ می‌بازد (صدر، ۱۳۹۲، ص ۱۰۴). از نگاه صدر جامعه جز وجود

افرادش وجود خارجی مستقل ندارد و فرد از این جهت، جزء حقیقی جامعه و دارای اصالت است که البته در کنار هم و با تأثیر و تأثر ماهیتی مستقل به جامعه می‌بخشد. امام موسی صدر از نگاه جامعه‌شناختی معتقد است فرد و جامعه رابطه‌ای دوسویه دارند. از یک سو افراد جامعه واقعیتی عینی دارند و در هویت جمعی تأثیر گذارند و از دیگر سو این روح و هویت جمعی بر افراد جامعه تأثیر می‌گذارد. از نگاه او تأثیر گذاری جامعه بر افراد بی‌پایان است و آثاری ژرف و پایدار دارد (صدر، ۱۳۹۲ ب، صص ۱۰۲-۱۰۳؛ صدر، ۱۳۹۱ ب، صص ۳۸-۳۹).

موسی صدر در مقابل دو جریان اصالت فرد و اصالت جامعه، رکن پراگماتیستی و عمل‌گرایی خود را به نمایش می‌گذارد و هیچ تمایزی معناداری بین فرد و جامعه قائل نیست و بر این باور است که افراد در جامعه و توسط جامعه شکل می‌گیرند؛ در عین حال انسان خلاق، کنش فردی و اجتماعی را چنان می‌سازد که هست (صدر، ۱۳۹۲ الف، صص ۲۱۰؛ توسلی، ۱۳۶۹، صص ۲۷۸).

با این اوصاف از نظر موسی صدر این انسان است که با فکر و اندیشه و عمل خود تاریخ را می‌سازد، آن را متحول می‌کند و به حرکت وامی‌دارد. امام موسی تأثیر گذاری عوامل خارجی را بر نمی‌تابد و تنها به درون انسان متوجه است (صدر، ۱۳۹۲ الف، صص ۱۹؛ صدر، ۱۳۹۱، صص ۸۷). صدر با به رسمیت شناختن نیازهای انسان و عبادت شمردن تلاش برای تأمین آنها، جامعه اسلامی را برای همه انسان‌ها بدون امتیاز طبقاتی خاصی می‌داند که در آن هم به نیازهای فردی و هم به مسائل اجتماعی توجه می‌شود. این جامعه رشددهنده همه استعدادهای انسانی است و گوناگونی افراد و جوامع مختلف صرفاً برای معارفه و شناخت یکدیگر به منظور تعامل و همکاری است (صدر، ۱۳۹۲ الف، صص ۱۸۳-۱۸۴).

۴-۲. اصل مساوات و برابری در برابر آفرینش و قانون

یکی از شاخصه‌های مهم جامعه صالح از دید امام موسی صدر، اصل مساوات و عدم تبعیض است. او با تکیه بر مساوات در آفرینش به مساوات در برابر قانون و مساوات در برخورداری از امکانات و فرصت‌های اجتماعی برای ریشه‌کن کردن فقر و فساد و

برتری جویی اشاره می‌کند و برقراری آن را مستلزم عدالت و تعامل افراد جامعه با هم می‌داند (صدر، ۱۳۹۲ الف، ص ۴۶)

۴-۳. جهان‌بینی الهی حاکم بر جامعه

امام موسی صدر جامعه مترقی را جامعه‌ای براساس ایدئولوژی الهی می‌داند که در مسیر توحید و سعادت و کمال حرکت می‌کند. وی براساس نگرش توحیدی‌اش سه نوع رابطه انسانی را ترسیم کرده است که اجرای درست این روابط براساس جهان‌بینی الهی، جامعه را به جامعه‌ای صالح مبدل می‌کند: رابطه انسان با خود، خدا و دیگران. ارتباط انسان با خدا در اندیشه صدر در قالب توحید، ایمان، پرستش، عدالت و رسیدگی به امور مردم قابل تکامل شناخته می‌شود و جریان بندگی سرفصل این رابطه را تشکیل می‌دهد. این نیاز به انسان مدد می‌رساند در سه حوزه دیگر با انگیزه قوی داد و ستد داشته باشد؛ چراکه انسان متکی بر خدا با اطمینان کامل به کارزار زندگی گام می‌نهد و با تکیه بر نیرویی عظیم هیچ‌گاه متوقف و ناامید نخواهد شد (صدر، ۱۳۹۱ ب، ص ۱۷۶).

در خصوص رابطه انسان با خود باید گفت بن‌مایه اصلی هویتی انسان از نگاه امام موسی، خدامحوری و فطرت پاک است که برگرفته از روح الهی دمیده‌شده در انسان است و هدفی جز رسیدن به حق و کمال و زیبایی مطلق و عدالت و رحمت بی‌پایان نداشته و در این راه هم بعد جسمانی و مادی او و هم بعد روحانی او مورد توجه و تلاش است (صدر، ۱۳۹۰، ص ۸۷).

براساس مطالب پیش‌گفته نوع نگاه امام موسی درباره رابطه انسان با انسان‌های دیگر مشخص می‌شود. از نظر وی انسان به دلیل اجتماعی‌بودن هم تأثیرگذار و هم تأثیرپذیر در جامعه حاضر می‌شود؛ ولی بر این عقیده است که روابط انسانی باید بر مبنای ایمان به خداوند سازماندهی شود (صدر، ۱۳۹۲ ب، صص ۱۰۳-۱۰۴). به باور او حقیقت جامعه به افراد و پیوند و تعامل آنها است و اگر بر پایه ایمان استوار شود، جامعه‌ای مؤمن پدید می‌آید. جامعه غیرمؤمن دارای چند هدف متناقض است، نظیر خدامحوری و خودمحوری یا خدا و نژادپرستی یا خدا و گروه‌گرایی؛ درحالی‌که جامعه مؤمن با

هدف گذاری الهی و در سایه عمل صالح و تعاون و صبر به سمت سعادت حرکت می کند و فعالیت های اجتماعی به شکوفایی می رسد و دچار تناقض و بی انگیزگی نخواهد شد (صدر، ۱۳۹۰، صص ۳۷۷-۳۷۸).

۴-۵. اقتصاد انسان محور

در معرفت شناسی اقتصاد اجتماعی اسلام در اندیشه امام موسی صدر، اسلام دین عبادی صرف نیست، بلکه فرهنگ، آیین و رسالتی برای زندگی است. این مذهب برای تمام ابعاد زندگی انسان برنامه و دستورالعمل دارد و نظام اسلامی و صالح هنگامی استوار می شود که همه ابعاد فکری و اجتماعی آن در تمام وجوه زندگی انسان حاکم گردد. یکی از ابعاد مهم زندگی اجتماعی انسان بعد اقتصادی آن است. مکتب اقتصادی اسلام مکتبی است که از جهان بینی اسلام سرچشمه می گیرد و راه حلی که برای شکوفایی زندگی اقتصادی بشر ارائه می کند، مستقل و متفاوت از مکاتب مادی (سوسیالیسم و سرمایه داری) و ادیان دیگر است. در دین مبین اسلام مال و ثروت امانتی الهی است که در اختیار انسان قرار داده شده و نحوه بهره برداری از آن و کاهش و افزایش آن نیز در پرتو تعالیم و حیانی اسلام تبیین شده است. انسان جانشین خدا و حامل امانت الهی و مأمور به ساختن جامعه ای صالح و ایمانی است؛ بنابراین افزایش ثروت برای بهبود رفاه انسان ها و رشد اقتصادی می تواند سرعت و شتاب قدم نهادن در راه خدا را افزون کند؛ البته به شرط اینکه جهت به درستی انتخاب شده باشد (فرخیان، ۱۳۹۱، صص ۲۷۶-۲۷۷).

امام موسی صدر درباره رابطه انسان با تولید و توزیع اقتصادی در جامعه اسلامی معتقد است ثروت همانند دیگر امکانات امانت الهی در دستان انسان است و او مالکیت و حاکمیتی بر آن ندارد؛ بنابراین اصل و اساس، انسان است نه ثروت و دیگر ابزارهای موجود بشری. بدین جهت در اقتصاد اسلامی نیروی انسانی مهم ترین و اولین عامل تولید به شمار می رود و این نیروی کار می تواند بدون قبول ضرر در سود شرکت کند؛ ولی مالک ابزار چنین حقی ندارد. فتنه خواندن ثروت در آیات قرآن کریم

هم با این توضیح به خوبی فهمیده می‌شود (صدر، ۱۳۹۲ الف، ص ۱۸۴).

رشد اقتصادی در اسلام فریضه و عبادت است و البته هدف از رشد خود انسان است؛ چراکه از رهگذر تلاش و کوشش در جهت پرورش استعدادهاى فردى درجات افراد تعیین و موجب توسعه‌ای فراگیر، مردمی و عادلانه می‌شود. هرکس بیشتر برای بارور کردن استعدادهای خود - که به عنوان ودیعه‌ای الهی در وجود همه انسان‌ها نهاده شده - و آموزش حرفه و صنعت تلاش کند، به شایستگی‌ها و توانمندی‌های بیشتری برای کسب درآمد در فعالیتهای مختلف اقتصادی دست می‌یابد و خود به خود نصیب بیشتری می‌یابد و این، مانع از انباشت ثروت در دست عده‌ای ثروتمند می‌شود؛ از این رو رشد اقتصادی در اسلام همه‌جانبه است. این رشد متوازن است و هدف از آن نه تنها افزایش تولید، بلکه عدالت در توزیع است. به نظر می‌رسد این راه توسعه اقتصادی که هم از نظر فلسفه و هم از جنبه عمل و سیاست‌گذاری از الگوهای مکاتب سرمایه‌داری و سوسیالیستی متفاوت است، شیوه‌ای است که مد نظر امام موسی صدر قرار دارد. اکنون می‌توان گفت با الهام از همین راه توسعه اقتصاد اسلامی است که مشاهده می‌شود در اولین فرصتی که رهبر شیعیان در لبنان پیدا می‌کند، به تأسیس مدرسه فنی - حرفه‌ای جبل عامل می‌پردازد (فرخیان، ۱۳۹۱، ص ۲۷۹).

۴-۵-۱. ارزش حقیقی کار و فعالیت اقتصادی در جامعه اسلامی

مکاتب گوناگون بشری دیدگاه‌های مختلفی درباره کار دارند. در اندیشه یونان باستان از آنجاکه کار به بردگان اختصاص داشت، فعالیتی تحقیرآمیز و پست شمرده می‌شد و این دیدگاه در آثار فلاسفه یونان نیز وجود دارد (بدیع، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۲۹۲). به تدریج در قرون وسطا و حاکمیت کلیسا بر اروپا، تشویق به انجام کار برای کسب درآمد به وجود آمد. با گذشت زمان در دوران رنسانس و شکل‌گیری عقاید جدید درباره انسان و دین و دنیا، کار جایگاه و اصالت خاصی یافت. در جهان‌بینی اسلامی، کار مفهوم ویژه‌ای دارد و آثار آن تمام صحنه هستی را می‌گیرد؛ چراکه از کار می‌توان به جوهره درونی افراد پی برد و وقتی این جوهره‌های درونی آشکار شوند و

استعدادهای بالقوه به منصف ظهور برسند، می‌توان به وجود جامعه‌ای پویا امیدوار بود. کار و فعالیت در جامعه دارای نقش و کارکرد اساسی است. کار و جهاد، جامعه را به مرزهای توسعه و ترقی نزدیک می‌سازد و باعث آبادانی و رشد آن سرزمین می‌شود، علاوه بر آن کار و فعالیت، نتایج ارزنده‌ای را در جسم و روح انسان دارد. با توجه به فواید و نتایج مثبت کار در اجتماع و روحیه فرد، می‌توان کار را هم عمل صالح محسوب کرد؛ زیرا اثر کار در جهان‌بینی اسلامی فقط در ابعاد اقتصادی و تولید نیست، بلکه در نظام اخلاقی و تربیتی و اجتماعی و فرهنگی نیز نقش مؤثری ایفا می‌کند؛ از این رو انسان با کار - که در اندیشه اسلامی می‌توان آن را مترادف با عمل صالح قرار داد - جایگاه خود را در نظام عالم بهبود می‌بخشد و تکامل خود را محقق می‌کند. به اعتقاد موسی صدر عمل صالح عملی است که از ایمان به خدا سرچشمه می‌گیرد (صدر، ۱۳۹۱ الف، ص ۱۵۹).

از نگاه امام موسی صدر کار در جامعه اسلامی همچون موجودی زنده غیر قابل ارزش‌گذاری و قیمت است و عبادتی است که سبب انسجام و پیوند هرچه بیشتر ارکان جامعه می‌شود. مؤمن در کار خود خداوند را در نظر می‌گیرد و قیمت اصلی کارش فارغ از مزد ظاهری آن تنها توسط خداوند معین خواهد شد؛ اما ارزش کار در جامعه ناصالح و مادی‌گرا که پیوندها از ماوراءالطبیعه گسسته شده، به شدت تنزل می‌یابد و جامعه را به شرکنتی تجاری تبدیل می‌کند که عمل افراد با گرایش منفعت‌طلبانه صرفاً در سود و زیان اقتصادی خلاصه می‌شود (صدر، ۱۳۹۲ الف، ص ۲۳۴).

۵. مؤلفه‌های اخلاقی

در جامعه صالح مد نظر موسی صدر، تربیت معنوی و تصحیح اخلاق فردی و اجتماعی جزو مؤلفه‌های مهم اجتماعی است. در سخنرانی‌ها و نوشته‌های وی درباره عدالت و تعادل باطنی بر محورهایی چون پرهیز از ریا و فساد و غیبت و توصیه به مهرورزی و تقویت حس مسئولیت تأکید فراوان شده است تا در سایه این اصل جامعه صالح و فاضل شکل گیرد؛ از این رو امام صدر در روزنامه الجریده چاپ بیروت مردم را به جامعه‌ای

مالامال از اخلاق و زیبایی دعوت می‌کند (صدر، ۱۳۹۱ الف، ص ۴۰۰). چنین فضای تحسین‌برانگیز اخلاقی و ایدئالی را که موسی صدر ترسیم می‌کند، می‌توان سرمایه‌ای بزرگ و معنوی در جامعه دانست؛ سرمایه‌ای که اگر جامعه از آن برخوردار باشد، روند تکاملی و متزایدی را طی خواهد کرد و روز به روز قادر خواهد بود مدارجی از حیات معقول را به دست آورد.

اخلاق و تجلی آن در جامعه ضامن استحکام و زمینه‌ساز رشد و بهروزی کلیت جامعه‌ای است که این اخلاقیات و رفتارها در آن نهادینه شده است؛ از این‌رو اخلاق همواره یک قلمرو مهم در زندگی اجتماعی و معرفتی فرد شناخته می‌شود و ضرورت برای جامعه صالح است. از نظر اسلامی ارزش‌های اخلاقی سلسله اصول کلی، ثابت و مطلق‌اند که تحت هیچ شرایطی تغییر نمی‌کنند؛ اما مصداق آنها تغییرپذیر است. از این منظر ملاک کلی ارزش اخلاقی، مصلحت عمومی فرد و جامعه و مصلحت واقعی انسان است؛ یعنی هر چیزی که موجب کمال واقعی انسان است نه چیزی که دلخواه افراد و مورد خوشایند آنها است (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ص ۲۳۰)؛ بنابراین انسان مدار و محور اخلاق و ارزش‌ها نیست، بلکه باید بدان‌ها پایبند باشد. سرعینی‌بودن و مطلق‌بودن امهات قضایای اخلاقی آن است که این قضایا در واقع بیانگر وجود رابطه واقعی میان عمل اخلاقی و کمال نهایی و روحانی آدمی‌اند (واعظی، ۱۳۸۱، ص ۹۶).

گفتنی است اخلاق مسئله‌ای جدا از جهان‌بینی نیست، بلکه رابطه‌ای دقیق و عمیق میان جهان‌بینی و نظریات اخلاقی وجود دارد؛ زیرا شناخت کمال مطلوب آدمی مسئله‌ای فلسفی است که به نوع جهان‌بینی افراد بستگی دارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۳۳۱)؛ اما سؤالی که اینجا مطرح است، این است که در جامعه صالحی که مد نظر موسی صدر است، اخلاق چه جایگاهی دارد و چه تأثیری در شکل‌گیری جامعه فاضله دارد. مؤلفه‌های اخلاقی صدر کدام‌اند؟ رابطه حق‌مداری و اخلاق در اندیشه اجتماعی صدر به چه صورت است؟

موسی صدر در خصوص جایگاه اخلاق در شکل‌گیری جامعه صالح می‌گوید:
«اصل پایبندی به ارزش‌ها در مقام عمل، همان سنگ بنای ایجاد جامعه مؤمن است.

جامعه مؤمنی که بر روابط میان افراد و نسل‌ها و براساس عمل به رسالت آسمانی که کمال فرد و ادامه وجود او است، استوار است» (صدر، ۱۳۹۰، ص ۳۲۳). تأکید موسی صدر در عمل کردن به رسالت آسمانی به‌عنوان کمال فردی مؤید این مطلب است که دین می‌تواند اجرای اخلاق را در جامعه ضمانت کند. اساساً اگر قرار است اخلاق به‌طور کامل تحقق یابد، باید براساس دین و با تکیه بر دین باشد. قدر مسلم این است که دین حداقل به‌عنوان پشتوانه‌ای برای اخلاق بشر ضروری است؛ زیرا دین از مجرای شریعت الهی می‌تواند انضباط‌های اخلاقی محکم و پولادین به وجود آورد.

از سویی دیگر امام موسی صدر قائل به تقدم اخلاق بر دین است و اساساً ارزش‌های اخلاقی را مسائل اجتماعی می‌داند که در درون خود، سازوکارهای آشنایی و بقای اصول اخلاقی و ارزشی را پایدار کرده باشد و زمینه رشد عوامل منفی و انحرافی را مسدود کرده باشد تا از این طریق مصونیت برای جامعه و اعضای آن به وجود بیاورد.

موسی صدر بخش اصلی در شکل‌گیری دین را اخلاق می‌داند و بر این باور است که اهتمام اصلی اخلاق اسلامی مبارزه شدید با عواملی است که مانع پیوند انسان با دیگر موجودات و مانع تعامل با سایر انسان‌ها می‌شود، نظیر ترس و غرور و کبر و بی‌رحمی (صدر، ۱۳۹۲ الف، ص ۱۸۵).

۵-۱. حق‌مداری

جامعه باید در قلمرو یک نظام اخلاقی قوی حقوق فرد و اجتماع را به نحو دقیق مشخص کرده باشد تا افراد آن جامعه قادر به تشخیص حقوق یکدیگر باشند و خود را ملزم به رعایت آن بدانند. حق‌مداری به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اخلاقی جامعه صالح همواره مورد تأکید موسی صدر قرار گرفته است. در واقع حقوق ریشه در خلقت و آفرینش خاص انسان دارد؛ زیرا هر استعداد طبیعی در انسان مبنای یک حق طبیعی است (مطهری، ۱۳۶۶، ص ۱۴۸). اخلاق نیز ریشه در سرشت انسان و ماهیت ویژه او دارد؛ زیرا اخلاق، نوعی گرایش خاص در انسان است و ریشه در من‌متعالی او دارد (مطهری، ۱۳۶۶، ص ۱۲۶).

از دیگر سو عدالت یکی از محوری‌ترین و اساسی‌ترین امور در حوزه حقوق است که از سوی حقوق‌دانان مسلمان به معنای «دادن حق به ذی حق» تعریف شده است. از سویی دیگر عدالت از امهات مسائل اخلاقی نیز به شمار می‌آید. بر این اساس می‌توان گفت اولاً اخلاق می‌تواند یکی از منابع حقوق به شمار آید؛ همان‌طور که ناصر کاتوزیان می‌گوید: «هنوز هم اخلاق را باید مهم‌ترین منبع حقوق به شمار آورد. قانونگذار باید تا حد امکان به کاری فرمان دهد که مردم نیز آن را نیکو می‌شمارند...» (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ص ۴۵). ثانیاً اخلاق می‌تواند پشتوانه و تکیه‌گاهی برای حقوق محسوب شود. ضمن اینکه هرگاه در جامعه، حقوق افراد محفوظ و حقوق انسان‌ها تأمین شده باشد و عدالت تحقق یابد، زمینه برای اخلاق فاضله و پاک فراهم خواهد بود. تأمین حقوق انسان‌ها براساس عدالت با رشد اخلاقی جامعه نسبت مستقیمی دارد (مطهری، ۱۳۵۹، صص ۶۴-۶۵).

بر این اساس از مهم‌ترین مؤلفه‌های اخلاقی جامعه صالح در اندیشه موسی صدر پیروی از حق و احترام به حق در فکر و عمل است. هدف جامعه صالح و جامعه ایمانی سعادت حقیقی مبتنی بر عقل و شرع است؛ بدین معنا که انسان می‌کوشد در مقتضیات غرائز و نیروهای خود تعادل برقرار کند و تا آن اندازه در اقصای غرائز گام بردارد که او را از عبادت و معرفت خدا باز ندارد و باعث تعدی به حقوق دیگران هم نشود و پیدا است که در پرتو این تعادل، سعادت انسان نیز تأمین می‌شود. این امر به گونه‌ای از رفعت مقام برخوردار است که باید منافع فرد و مصالح آن متناسب و در راستای مصالح اجتماعی باشد.

صدر حقیقت اجتماعی را که در اسلام ترسیم شده است، توجه کامل به همه جوانب شخصیتی و اجتماعی انسان و تمام فردیت او می‌داند که با حقوق سایر افراد در تنافی نیست و اتفاقاً در راستای تقویت مصالح اجتماعی است. وی اعمال متعارض را ناشی از تمایلات نفس اماره انسان می‌داند که با حق در تضاد کامل هستند. به اعتقاد وی در جامعه ترسیم شده در اسلام، همه امکانات و استعدادها مثبت فرد بدون تعدی و تجاوز به دیگران صیانت و محافظت می‌شود. قداست بخشی به حقوق دیگران و حفظ

کرامت انسانی سبب تبدیل زمینه‌های تجاوز و تعدی به میدان مسابقات خیرات و نیکی‌ها و کوشش‌های مثبت می‌شود (صدر، ۱۳۹۱ ب، صص ۹۵-۹۶).

به اعتقاد موسی صدر تنها در صورتی حقوق افراد جامعه حفظ و حراست می‌شود که منبع این حق برگرفته از احکام الهی و وارد شده از سوی حاکم شرع باشد. صحبت موسی صدر از آن‌رو است که در جوامع سکولار و حقوقی بشر، منبع اصلی تعیین حق قانون است؛ در حالی که منبع اصلی تعیین حقوق در مکاتب الهی وحی است. خداوندی که انسان را خلق کرده و به نیازهای جسمی و روحی و فردی و اجتماعی مخلوق خویش آگاه است، حقوق و تکالیف او را نیز تشریح نموده و جزئیات آن را هم توسط حامل وحی و علم الهی او معین فرموده و مردم را امر به متابعت از رسول و رهنمودهای او کرده است. چه در مواردی که حقوق انسان براساس موازین طبیعی و فطرت انسانی و به زبان دیگر رابطه غایی معین شده است و چه در مواردی که حقوق به صورت تشریحی و موضوعه و به عبارت دیگر بر پایه رابطه فاعلی مقرر گردیده، هر دو از سوی پروردگار است و این کار شاق از عهده انسان برداشته شده است و به اعتقاد خداپرستان جایی که خدا است، نوبت قانونگذاری به بشر نمی‌رسد، مگر در موارد فرعی که باز مأذون به اذن او است (مکارم، ۱۳۷۷، ص ۷۸). پس هنگامی که منبع تعیین حق از جانب پروردگار باشد، قطعاً حقوق تک‌تک افراد جامعه در آن محفوظ می‌ماند. در ادامه موسی صدر با قداست بخشیدن به حقوق دیگران در حقیقت تک‌تک افراد جامعه را ترغیب به رعایت حقوق هم‌نوعان می‌کند تا در پرتو این امر و با کمک مردم حق‌طلبی و عدالت‌خواهی و انصاف در جامعه گسیل شود و انسان‌ها به کمال شکوفایی و سعادت نائل شوند.

۲-۵. ایجاد فضای تربیتی در جامعه

در زمینه اجرای عادلانه قوانین حقوقی، اسلام روی نظام تربیتی جامعه تأکید و تکیه می‌کند؛ زیرا اجرای قوانین و احکام دینی در جامعه به بسترسازی و زمان‌بندی نیاز دارد. برای بازیابی خوبی‌ها در جامعه، سالم‌سازی استعدادها و افراد جامعه از اهمیت زیادی

برخوردار است؛ زیرا کسی که آمادگی خوبی‌ها را ندارد، نمی‌تواند در این زمینه موفق باشد و جامعه‌ای که خوبی‌ها را به‌طور آشکار از خود نشان نمی‌دهد، هرگز نمی‌تواند جامعه خوبی باشد. از جامعه و فردی که زمینه‌های علمی و عملی ندارد، هرگز نباید توقع تخلق به احکام دقیق کمال را داشت، بلکه باید برای تحقق قوانین دیانت، مرزبندی و مرحله‌بندی کرد و با برنامه‌ای دقیق و جریانی درست زمینه و استعداد فرد و جامعه را شکوفا ساخت و زور و سختگیری‌های خشونت‌آمیز هرگز نمی‌تواند عامل اجرای احکام دیانت شود (صدر، ۱۳۹۱ ب، ص ۵۷).

از این‌رو اسلام اصلاح اخلاقیات را زیربنای اصلاح جامعه می‌داند و تقریباً بخش اعظمی از پیام‌های قرآن بر محور اخلاق و تربیت ارائه شده است. صبر و شکیبایی، تواضع و فروتنی، صداقت و اخلاص عمل، تعاون و همکاری، نوع دوستی و نیکویی، سخاوت و مهرورزی، توجه به محرّمات و نظایر آنها از جمله پیام‌های اخلاقی قرآن است که همه آنها از اصول ارزشی اجتماع انسانی است. این صفات و ارزش‌ها متضمن کمال انسان‌اند و رسیدن به مقام عبودیت و قرب حق، جز از طریق آراستن نفس به این صفات و ملکات، امکان‌پذیر نیست. در نتیجه انسان قرآنی موجودی است که برخلاف حیوانات بین آنچه در اول هست و آنچه می‌تواند بشود، خلأ و فاصله وجود دارد و این فاصله را باید با تربیت خویش پر کند. تربیت فرایندی بسیار گسترده است که گستره آن به تمامی ابعاد، توانایی‌ها، قابلیت‌ها و به همه شئون وجودی آدمی گسترانده شده است؛ اما فرایند اخلاق یکی از حیطه‌ها و ساحت‌های تربیت به شمار می‌آید؛ از این‌رو می‌توان گفت تربیت اقسام فراوانی دارد و از آن جمله، تربیت عقلانی، تربیت اخلاقی، تربیت عاطفی است؛ اما تعریفی که متناسب با بحث، اجمالاً از تربیت در نظر داریم، ایجاد و تقویت کمال اخلاقی در انسان است.

بی‌تردید یکی از ابعاد فکری امام موسی صدر مقوله تعلیم و تربیت و تزکیه نفس است که همواره به آن توجه ویژه داشت؛ از این‌رو می‌توان گفت امام موسی صدر پیش از آنکه سیاستمداری قاطع و انقلابی باشد یا در مقام مرجعی تام، مرجعیت و زعامت دینی را معنایی تازه بخشد، معلمی نمونه بود که توانست با دریافتی عمیق و ژرف از

مبانی تعلیم و تربیت الهی به تربیت نسلی پردازد که اکنون بار اصلی مبارزه با استکبار و صهیونیسم را بر دوش می‌کشد (صدر، ۱۳۹۱ الف، ص ۳۰۲، صدر، ۱۳۹۰، صص ۲۲۹-۲۳۰).

به اعتقاد موسی صدر تربیت شخصی به‌تنهایی کافی نیست و کسانی که افقی فراتر دارند، مطلوبشان تحقق تربیت در جامعه صالح است؛ زیرا جامعه صالح عاملی مؤثر در سعادت فردی و اجتماعی است که به هر دو بعد فردی و اجتماعی ناظر است؛ از همین رو ایشان تربیت را هماهنگ با نظام هستی تفسیر می‌کند و به‌طور طبیعی جنبه‌های خاصی از تربیت را توضیح می‌دهد که به اعتقاد صدر روش خاص قرآن است که در آن هم تربیت فرد مورد توجه قرار می‌گیرد و هم تربیت جامعه. تربیت فرد به معنای تصحیح منش و رفتار انسان و کاشتن بذر کمالات اخلاقی و خصال متعالی انسانی در نهاد انسان از طریق امر به معروف و نهی از منکر و توجه به پرورش و تزکیه نفس ممکن است و تربیت جامعه از این رهگذر که محیطی فراهم شود تا انسان در آن محیط بتواند با انجام عمل صالح بذر کمالات اخلاقی را پرورش دهد؛ زیرا در اجتماع است که تربیت چنین انسانی به نمایش گذاشته می‌شود. صدر معتقد است انسانی که این‌گونه تربیت یافته به اصطلاح معاصر تصویری انقلابی از جهان‌بینی انسان است. شاید بتوان گفت منظور صدر از به‌کاربردن واژه انقلاب در جهان‌بینی این باشد که در این تعریف تربیت از فرد انسانی فراتر رفته و به دامن جامعه کشیده شده است و این یعنی تغییرات و اصلاحات مبنایی و بنیادی و زیربنایی.

نتیجه‌گیری

جامعه صالح از دیدگاه امام موسی صدر جامعه‌ای است که با محوریت اندیشه توحیدی و الهی شکل گرفته و براساس این ریشه رشد و نمو پیدا کرده است. اعتقاد و التزام به اندیشه الهی و عملی ساختن آن، به باور صدر منجر به برابری آحاد جامعه می‌شود که موجب وحدت در راه و اهداف جامعه می‌شود و رکود و بی‌ثباتی و اضمحلال آنها را خواهد زدود. افراد این چنین جامعه‌ای دارای کرامت‌اند که با اعتقاد به غیب الهی و امدادهای خداوندی و با باور خلیفه‌گری انسان بر روی زمین از جانب پروردگار از

آزادی و عدالت بهره‌وافی می‌برند و مؤلفه‌های انسان‌شناختی یک جامعه صالح را رقم می‌زنند. این جامعه بسان پیکری یگانه همه اعضای خود را رشد می‌دهد و با این نگرش که فردیت نمی‌تواند ضامن سعادت و شادکامی افراد باشد، آنها را به تعامل و داد و ستدی لایب و الزامی تشویق می‌کند. این نگاه، مرهون اصل مساوات و برابری در آفرینش است که همگان به صورتی یکسان و کاملاً برابر باید از همه مواهب جامعه و امکانات آن براساس ظرفیت و تلاش خود بهره‌مند شوند. اقتصاد از نگاه امام موسی صدر، انسان‌محور است و در جامعه صالحی که مد نظر موسی صدر است، ارزش حقیقی کار و فعالیت‌های اقتصادی نمایان می‌شود؛ چراکه قیمت‌گذاری از سوی خداوند صورت می‌گیرد. حاکم‌بودن جهان‌بینی الهی اشکالات تفکرات اومانستی و مارکسیستی را ندارد و مساوات و برابری انسان‌ها را در برابر قانون به دنبال خواهد داشت؛ اما برقراری این ایدئولوژی در سایه‌سار مؤلفه‌های حق‌مداری و ایجاد فضای تربیتی مناسب براساس اخلاق میسر خواهد بود. اگر اخلاق نباشد، نمی‌توان دیگر مؤلفه‌های جامعه صالح را هم باورمند شد و هم بدان التزام عملی داشت؛ به دیگر سخن اخلاق گوهر اصلی جامعه صالح است که بالاترین اولویت را به خود اختصاص می‌دهد و دیگر عناصر را به دنبال خود می‌کشد. چه بسا جامعه چندی بدون اخلاق بتواند زیست کند و برخی از مظاهر عدالت را به اجرا درآورد، اما پایداری و سعادت همگانی جز قرارگرفتن در زیر چتر اخلاق میسر نخواهد شد که این امر را امام موسی به‌درستی درک کرده و در صدد تبیین و اجرای آن برآمده است.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. آشوری، داریوش. (۱۳۸۷). دانشنامه سیاسی (چاپ شانزدهم). تهران: نشر مروارید.
۲. اصیل، حجت‌الله. (۱۳۸۱). آرمان‌شهر در اندیشه ایرانی (چاپ دوم). تهران: نشر نی.
۳. بدیع، امیرمهدی. (۱۳۶۴). یونانیان و بربرها (ج ۱ و ۲، مترجم: احمد آرام، چاپ دوم). تهران: نشر پرواز.
۴. تقوی، سیدمرتضی. (۱۳۷۵). سخنی در مفهوم جامعه دینی. فقه اهل بیت (علیهم‌السلام)، ش ۷، صص ۱۱۵-۱۶۲.
۵. توسلی، غلامعباس. (۱۳۶۹). نظریه‌های جامعه‌شناسی (چاپ اول). تهران: انتشارات سمت.
۶. ستوده، هدایت‌الله. (۱۳۸۵). تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام از فارابی تا شریعتی (چاپ دوم). تهران: نشر ندای آریانا.
۷. صدر، سیدموسی. (۱۳۹۰). حدیث سحرگاهان (گفتارهای تفسیری) (مترجمان: علیرضا محمودی و مهدی موسوی‌نژاد، چاپ اول). تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
۸. صدر، سیدموسی. (۱۳۹۱ الف). برای زندگی (گفتارهای تفسیری) (مترجم: مهدی فرخیان، چاپ دوم). تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
۹. صدر، سیدموسی. (۱۳۹۱ ب). نای و نی (جستارهایی درباره اسلام، انسان، لبنان، مقاومت) (مترجم: علی حجتی کرمانی، چاپ دوم). تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
۱۰. صدر، سیدموسی. (۱۳۹۲ الف). ادیان در خدمت انسان (جستارهایی درباره دین و مسائل جهان معاصر) (مترجم: گروه مترجمان، چاپ دوم). تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.

۱۱. صدر، سیدموسی. (۱۳۹۲ب). انسان آسمان (جستارهایی درباره امیرالمؤمنین علیه السلام) (مترجم: احمد ناظم، چاپ اول). تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
۱۲. صفائی حائری، علی. (۱۳۸۷). انتظار درس‌هایی از انقلاب (دفتر اول). قم: انتشارات لیل‌القدر.
۱۳. صلیبا، جمیل. (۱۳۷۰). واژه‌نامه فلسفه و علوم اجتماعی (مترجمان: برک نیسی و سجادی). تهران: انتشارات حکمت.
۱۴. علوی تبار، علیرضا. (۱۳۷۷). جامعه مدنی و ایران امروز. تهران: انتشارات نقش و نگار.
۱۵. فارابی، ابونصر. (۱۳۶۸ق). آراء اهل المدينة الفاضله. قاهره: مطبعة الحجازی.
۱۶. فرخیان، مهدی. (۱۳۹۱). اندیشه ربوده شده (چاپ اول). تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
۱۷. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۱). مقدمه علم حقوق. تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۸. گویج، ژرژ؛ و دیگران. (۱۳۴۷). طرح مسائل جامعه‌شناسی امروز (مترجم: عبدالحسین نیک‌گهر). مشهد: دانشگاه مشهد.
۱۹. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۶۸). جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن (چاپ اول). تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۰. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۷۶). پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی. تهران: مؤسسه امام خمینی رحمته الله علیه.
۲۱. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۴). نقد و بررسی مکاتب اخلاقی. قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی رحمته الله علیه.
۲۲. مطهری، مرتضی. (۱۳۵۹). بیست گفتار. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۳. مطهری، مرتضی. (۱۳۶۶). فلسفه اخلاق. قم: نشر صدرا.
۲۴. مکارم، محمدحسن. (۱۳۷۷). مدینه فاضله در متون اسلامی (چاپ اول). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۲۵. مور، تامس. (۱۳۶۱). آرمان‌شهر یوتوپیا (مترجمان: داریوش آشوری و نادر افشار نادری).

تهران: خوارزمی.

۲۶. ناظرزاده کرمانی، فرناز. (۱۳۷۶). اصول و مبادی فلسفه سیاسی فارابی (چاپ اول). تهران:

نشر دانشگاه الزهراء.

۲۷. واعظی، احمد. (۱۳۸۱). جامعه دینی جامعه مدنی (چاپ چهارم). تهران: پژوهشگاه فرهنگ

و اندیشه اسلامی.

References

* The Holy Qur'an

1. Alavi-Tabar, A. (1377 AP). *Civil society and Iran today*. Tehran: Naqsh and Negar Publications. [In Persian]
2. Ashuri, D. (1387 AP). *Political encyclopedia* (16thed.). Tehran: Morwarid Publications. [In Persian]
3. Asil, H. (1381 AP). *The ideal city in Iranian thought*. (2nded.). Tehran, Ney Publications. [In Persian]
4. Badie, A. M. (1364 AP). *Greeks and Berbers*. (Vol. 1 & 2, Aram, A, Trans., 2nd ed.). Tehran: Parvaz publication. [In Persian]
5. Farabi, A. (1368 AH). *Opinions of Ahl al-Madinah al-Fazilah*. Cairo: Al-Hijazi Press. [In Arabic]
6. Farokhian, M. (1391 AP). *Kidnapped thought* (1sted.). Tehran: Imam Musa Sadr Cultural Research Institute. [In Persian]
7. Guij, G. et al. (1347 AP). *Sociological Issues Today* (NikGohar, A. Trans.). Mashhad: University of Mashhad. [In Persian]
8. Karaba, J. (1370 AP). *Dictionary of philosophy and social sciences* (Nisi, B., &Sajjadi, Trans.). Tehran: Hekmat Publications. [In Persian]
9. Katouzian, N. (1391 AP). *Introduction to science of law*, Tehran, Intishar Company. [In Persian]
10. Makarem, M. H. (1377 AP). *Utopia in Islamic texts* (1sted.). Qom: Publications of the Islamic Propaganda Office of Qom Seminary. [In Persian]
11. MisbahYazdi, M. T. (1368 AP). *Society and history from the perspective of the Qur'an* (1sted.). Tehran: Islamic Propaganda Organization. [In Persian]
12. MisbahYazdi, M. T. (1376 AP). *Prerequisites of Islamic management*. Tehran: Imam Khomeini Institute. [In Persian]
13. MisbahYazdi, M. T. (1384 AP). *Criticism of moral schools*. Qom: Publications of Imam Khomeini Institute. [In Persian]

14. Moore, T. (1361 AP). *Utopia* (Ashuri, D., &Naderi, N, Trans.). Tehran: Kharazmi. [In Persian]
15. Motahari, M. (1359 AP). *Twenty speeches*. Qom: Islamic Propaganda Office. [In Persian]
16. Motahari, M. (1366 AP). *Moral philosophy*. Qom: Sadra Publications. [In Persian]
17. NazerzadehKermani, F. (1376 AP). *Principles and principles of Farabi's political philosophy* (1sted.). Tehran: Al-Zahra University Publications. [In Persian]
18. Sadr, S. M. (1390 AP). *Sahargahan Hadith (interpretive speeches)* (Mahmoudi, A. R., &Mousavinejad, M, 1sted.). Tehran: Imam Musa Sadr Cultural Research Institute. [In Persian]
19. Sadr, S. M. (1391 AP a). *For life (interpretive discourses)* (Farokhian, M, Trans., 2nded.). Tehran: Imam Musa Sadr Cultural Research Institute. [In Persian]
20. Sadr, S. M. (1391 AP b). *Naiva Ney(Studies on Islam, Man, Lebanon, Resistance)* (Kermani, A., Trans. 2nd ed.). Tehran: Imam Musa Sadr Cultural Research Institute. [In Persian]
21. Sadr, S. M. (1392 AP b). *The man of heaven (Questions about Amir al-Mu'minin)* (Nazim, A, Trans., 1sted.). Tehran: Imam Musa Sadr Cultural Research Institute. [In Persian]
22. Sadr, S. M. (1392 AP, a). *Religions in Human Service (Studies on Religion and Contemporary World Issues)* (Translators Group, Trans. 2nded.). Tehran: Imam Musa Sadr Cultural Research Institute. [In Persian]
23. SafaeiHaeri, A. (1387 AP). *Waiting, lessons from the revolution* (1st Ch.). Qom: Laila Al Qadr Publications. [In Persian]
24. Sotudeh, H. (1385 AP). *History of social thought in Islam from Farabi to Shariati* (2nded.). Tehran: Nedaye Ariana Publications. [In Persian]
25. Taqavi, S. M. (1375 AP). A word on the concept of religious society. *FiqhAhl al-Bayt*, Vol. 7, pp. 115-162. [In Persian]

26. Tavasoli, Q. A. (1369 AP). *Sociological theories* (1sted.). Tehran: Samt Publications. [In Persian]
27. Vaezi, A. (1381 AP). *Religious society, civil society* (4thed.). Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought. [In Persian]